



۲۰۱۶/۰۲/۱۵



حمید انوری

فرار متجاوزان از افغانستان



روس ها از مُلک ما بیرون شوید
ورنه غرق رودبار خون شوید
این بخارا نیست، خاک آسیاست
مهد شیران، میهن شمشیر هاست
رو به ویتنام و چکسلواک و حبش
کین وطن چون لانه زنبور هاست

عساکر تجاوزگر روس آنگونه که میگویند، از افغانستان خارج نشدند، بلکه چاره را حصر دیدند و شکست بس افتضاح آمیز را در دو قدمی عساکر خسته از جنگ خود احساس کردند و از جانب دیگر مصارف کمر شکن تمویل، تجهیز و رهبری جنگ در افغانستان، اقتصاد روسیه شوروی را چنان ضربه زده بود که از داخل هم به سوی فروپاشی کامل پیش می رفت.

جهت حفظ پرستیژ سخت ضربه خورده و و شرایط ایجاد گویا یک بینی خمیری برای اردوی سرخ روسی، مذاکرات ژنو را راه اندازی کردند و بعد هم با مذاکرات جدی با ایالات متحده آمریکا، پاکستان و ایران، چنان زمینه چینی کردند که آبروی بر باد رفته عساکر تجاوزگر خود در افغانستان را به نحوی حفظ کرده و از راهی که آمده بودند، برگردند، تا بگفته عوام نه سیخ بسوزد و نه هم کباب.

از جانب دیگر پالیسی سازان کرملین در تلاش بودند تا سربازان شکست خورده و خورد و خمیر شده شانرا در حد امکان سلامت از افغانستان خارج نموده و با حداقل تلفات جانی و مالی این آبرو ریزی را به گونه ماست مالی کنند.

جهت تکمیل این پروژه و آخرین ترتیبات ممکنه برای بیرون رفت از معضله، در این بازی جدید باید یک قطعه دیگر نیز بازی می شد تا تضمین می گردید به عساکر روسی حین خروج از افغانستان، هیچگونه حمله صورت نخواهد گردید.

این قطعه آخری نیز بازی شد و مقامات روسی با "احمد شاه مسعود" و شورای نظارش در تماس شدند و در یک زد و بند پشت پرده توافق صورت گرفت تا شورای نظار بر علاوه آنکه هیچگونه حمله را در زمان خروج نیروهای رزمی روسی از افغانستان انجام نمی دهد، از حملات رزمندگان نیرو های غیر از شورای نظار نیز جلوگیری می نماید و...

این قطعه بسیار ماهرانه بازی شد و نیروهای فراری روس از افغانستان با خیال راحت در حالی افغانستان را ترک کردند که هنوز از رژیم دست نشانده خود با تمام قدرت مالی، نظامی- لوژستیکی و مشاورین و جنرالان کارکشته روسی حمایت میکردند و با خروج نیروهای شان، تلی از خاک و دریای از خون در افغانستان بجا گذاشتند.

بیشتر از یک و نیم میلیون افغان جان های شریین شانرا از دست دادند، زیاده از پنج میلیون افغان آواره مُلک ها گردیدند، دهها هزار معیوب و معلول شدند و از افغانستان آباد یک خرابه غم انگیز بجا ماند.

آخرین گروپ عساکر تجاوزگر روسی به تاریخ ۱۵ فبروری ۱۹۸۹، یعنی درست بعد از مدت ۹ سال و یک ماه و ۱۹ روز جنگ و خونریزی و کشتار و ویرانی و چور و غارت و تاراج و ریختن خون بیشتر از یک میلیون هموطنان آزاده ما سرزمین مقدس ما را ترک کردند.

"... قرار معلومات منتشره در مطبوعات روسیه، در افغانستان طی مدت زمان سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۹، ۱۴۴۵۳ نفر نظامی شوروی کشته شده، که از جمله ۹۵۱۱ نفر در نبردها، ۲۳۸۶ نفر به اثر جراحات و دیگران یا خودکشی کرده و یا به اثر بیماری ها از بین رفته اند. در طول جنگ در افغانستان به تعداد ۴۱۷ نظامی شوروی مفقودالثر و یا اسیر گردیده اند. ۱۱۹ سرباز و افسر شوروی از اسارت آزاد ساخته شده اند، و ۲۲ نفر در کشور های دیگر مسکن گزین شده اند."

البته نباید توقع داشت که روس ها آمار واقعی تلفات عساکر شانرا بیان کرده باشند، قرار معلوم تلفات عساکر روسی خیلی بیشتر از اینها بوده و نظر به گزارشات متعدد و مختلف، تلفات جانی عساکر روسی در افغانستان، حدود ۴۵ تا ۶۰ هزار کشته و زخمی تخمین زده شده است.

امروز ۲۷ سال از آن تاریخ میگذرد، اما افغانستان هنوز هم یک زخم خون آلود است و هنوز هم از تن زخم خورد و خسته از جنگ افغانستان خون جاری است، و این نتیجه کودتای منحوس ثور ۵۷ و "مرحله نوین" آن یعنی تجاوز عریان روس ها بر افغانستان است.

درگرمگرم مبارزات آزادیخواهان ملت سلحشور افغان، هموطنان ما در کابل و ولایات کشور و در دورترین قرأ و قصبات مملکت، شعر زیبای را که در بالا ذینت بخش این سطور مختصر گردید، خطاب به روس ها تکرار میکردند و زبانزد عام و خاص بود و دیدیم که همان شعر زیبا به واقعیت پیوست و روس ها غرق رودبار خون شدند. روسیه شوروی از هم پاشید، دیوار برلین فرو غلطید، کشور های آسیای میانه یکی بعد دگر به استقلال و آزادی شان دست یافتند، امریکا انتقام شکست ویتنام را در افغانستان از روسها گرفت و...، اما افغانستان از طفیل سر سیاست بازان معامله گر، هنوز غرق خون است و هنوز با سرنوشت ملت و مملکت بازی می شود.

ما را چه افتاده است که چپ و راست با سرنوشت مردم و کشور ما چنین نامردانه بازی می شود؟!
آخر چه وقت از خواب غفلت بیدار می شویم و از کشتار هموطن و تخریب وطن دست برمیداریم!؟

نفرین بر تجاوزگران- زنده باد آزادی

